

پوشش تلویزیونی فرایند رسیدگی در دادگاه‌های کیفری

محسن مرادی حسن‌آباد*

چکیده

علنی‌بودن دادرسی که جزء اصول مهم و اساسی دادرسی است، مستلزم حضور آزادانه اشخاص در فرایند رسیدگی دادگاه‌ها است. انتشار جریان رسیدگی و آگاهی‌رسانی عمومی نسبت به آن نیز یکی از ملزومات علنی‌بودن دادرسی به حساب می‌آید. اما در کنار این موضوع در دهه‌های اخیر با رشد رسانه‌های جمعی، موضوع پوشش تلویزیونی فرایند رسیدگی در دادگاه‌های کیفری نیز مطرح شده است. مقاله حاضر سعی کرده است ضمن پرداختن به ادله موافق و مخالف بحث، موضع قانونگذار ایران را نیز در این ارتباط مورد بررسی قرار دهد. به نظر می‌رسد پوشش تلویزیونی فرایند رسیدگی بتواند حداقل در برخی موارد که ارتکاب جرم، طرح عمومی فراوان یافته و نگرانی‌های عمومی زیادی پدید آورده است، شکاف بین افکار عمومی و نظام عدالت کیفری را پر کرده و در خدمت تأمین اعتماد عمومی نسبت به عملکرد دستگاه عدالت قرار گیرد. از سوی دیگر باید توجه داشت که پوشش تلویزیونی بیش از حد فرایند رسیدگی دادگاه‌های کیفری می‌تواند از اهمیت محاکمات برای عامه مردم کاسته، تا حدی که ممکن است به فرایند رسیدگی و پخش آن از رسانه‌ها به مثابه نوعی سرگرمی و نه ابزاری در جهت اطلاع‌رسانی توجه شود.

واژگان کلیدی: علنی‌بودن، فرایند رسیدگی، انتشار، فیلم‌برداری، پوشش تلویزیونی، دادگاه‌های کیفری.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم و کارآموز قضایی

اصل علنی بودن دادرسی به دادرسی‌های موجود در نظام حقوقی آنگولاساکسون برمی‌گردد که طی آن، محاکمات نزد شهروندان آزاد برگزار شده و صدور رأی نیز نزد افکار عمومی صورت می‌گرفت.^۱ این اصل، جزء مهم‌ترین و باسابقه‌ترین اصول حاکم بر دادرسی‌های کیفری بوده و قانون اساسی ایران نیز برای آن ارزش و احترام خاصی قائل است به نحوی که در اصل ۱۶۵ قانون اساسی بر لزوم علنی بودن محاکمات تأکید شده است. بر اساس این اصل، مردم می‌توانند آزادانه در محاکمات حاضر شده و از جریان امور در دادگاه‌ها مطلع شوند. از آنجاکه رعایت علنی بودن دادرسی، جزء شاخصه‌های دادرسی منصفانه به حساب می‌آید،^۲ به تدریج در اواخر قرن نوزدهم میلادی به ویژگی غالب محاکمات در اروپا تبدیل شده،^۳ به نحوی که سزار بکارها در دفاع از این اصل می‌گوید: «بگذارید قضاوت‌ها علنی باشد، بگذارید اثبات جرم، علنی باشد و افکار عمومی که می‌تواند یگانه بازدارنده اجتماعی باشد، خشونت و خشم را تحت نظارت قرار خواهد داد...» در واقع علنی بودن محاکمات ابزاری است که می‌تواند جلوی استبداد قضات را گرفته و افکار عمومی را در جایگاه قاضی قضاوت بنشانند. از سوی دیگر، این اصل، الزاماتی نیز با خود به همراه دارد که حضور رسانه‌ها در محاکمات و انتشار جریان رسیدگی از آن جمله است.^۴ این موضوع که رسانه‌ها بتوانند آزادانه در جریان محاکمات در دادگاه‌ها حاضر شده و به عموم مردم اطلاع‌رسانی کنند موضوع تازه و بدیعی نیست و قانونگذار ایران نیز در سال‌های گذشته به تدریج به سمت و سوی تجویز انتشار جریان رسیدگی پیش رفته است. اما موضوع مهم دیگری که ذیل انتشار جریان رسیدگی قرار می‌گیرد عبارت است از حاضر شدن دوربین‌ها در محاکمات و مخابره کردن فیلم جریان رسیدگی در رسانه‌ها. در انگلستان بر اساس قسمت ۴۷ قانون اصلاح قانون اساسی مصوب ۲۰۰۵، امکان فیلم‌برداری از جلسات دیوان عالی کشور وجود دارد. همچنین از

^۱ - Nasheri, Hedieh, Crime and Justice in Age of Court TV, LFB Scholarly publishing LLC, New York, 2002, p. 9.

^۲ - امیدی، جلیل، و سمیه نیکویی، «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری»، مدرس علوم انسانی، شماره ۵۸، ۱۳۸۷، ص. ۲۴.

^۳ - Summers, Sarah, Fair trial: The European Criminal Procedural Tradition and The European Court of Human Rights, Hart publishing, Oregon, Oxford and Portland, 2007, p. 39.

^۴ - نیکویی، سمیه، «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷-۵۶، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۰.

اکتبر ۲۰۱۳ بر اساس قانون جرم و دادگاه‌ها، امکان فیلم‌برداری در دادگاه‌های استیناف نیز وجود دارد.^۱ البته در این کشور در سایر دادگاه‌ها امکان فیلم‌برداری از جلسات دادگاه به رسمیت شناخته نشده است. فیلم‌برداری از جلسات دیوان عالی کشور و انتشار آن در این کشور در راستای برنامه‌های آموزش حقوق، استفاده در اخبار و امثال آن مجاز است و نمی‌توان از این‌گونه فیلم‌ها در برنامه‌های سرگرمی، طنز، تبلیغات و برنامه‌های احزاب سیاسی استفاده کرد.^۲ در نیوزیلند از ۱۹۹۸ امکان فیلم‌برداری از جلسات دادگاه‌ها وجود دارد، منتها باید درخواستی تقدیم دادگاه شده و قسمت‌هایی از جلسه که قصد فیلم‌برداری از آن وجود دارد و برنامه‌ای که قرار است آن را پخش کند ذکر شود. دادگاه نیز در زمینه موافقت یا مخالفت اختیار تام دارد. در اسکاتلند، رضایت اصحاب دعوا برای فیلم‌برداری و پخش آن ضروری است. در ایالات متحده آمریکا امکان پخش تصاویر ویدیویی از جلسات دیوان عالی کشور وجود ندارد اما صداهای ضبط‌شده در پایان هر هفته توسط دیوان، آزاد شده و امکان پخش آن وجود دارد. در سطح ایالتی نیز هر ایالت قوانین مخصوص به خود را در این زمینه دارد. از سوی دیگر برخی کشورها علی‌رغم پذیرش علنی بودن دادرسی، مقررات سخت‌گیرانه‌ای نسبت به پوشش تلویزیونی جلسات دادگاه وضع کرده‌اند. ماده ۳۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در این زمینه مقرر داشته است: «به‌محض آغاز محاکمه، استفاده از هرگونه تجهیزات ضبط یا انتشار صدا، دوربین‌های تلویزیونی یا سینمایی یا تجهیزات عکاسی ممنوع است...»

باوجود این، رئیس جلسه دادگاه می‌تواند دستور دهد که تمام یا بخشی از رسیدگی تحت نظارت وی به‌صورت صوتی ضبط شود. تحت همین شرایط، وی می‌تواند دستور دهد که ضبط صوتی و تصویری رسیدگی یا شهادت قربانی یا طرف مدنی در صورت درخواست هریک از آن‌ها صورت پذیرد. وسیله ضبط، رسماً مهر و موم شده و در اختیار دفتر دادگاه قرار می‌گیرد. ممکن است ضبط صوتی یا صوتی و تصویری نزد محکمه تا قرائت حکم مورد استفاده قرار گیرد: در صورتی که این موارد در جهت مشورت و غور مورد استفاده قرار گیرد تشریفات مقرر در پاراگراف سوم ماده ۳۴۷ قابل اعمال است.

1- The judicial office for Scotland, Cameras and live text-based communication in the Scottish courts: a consultation, available at: www.scotland-judiciary.org.uk, 2013.

۲- لازم به ذکر است که اسکای نیوز، جلسات دیوان عالی کشور را در این کشور به صورت زنده پوشش می‌دهد. برای دیدن تصاویر می‌توانید به آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید:

<http://news.sky.com/info/supreme-court>.

همچنین ممکن است صدا یا تصویر و صدای ضبط شده در صورت استماع درخواست اعاده دادرسی پرونده نزد محکمه رسیدگی کننده یا بعد از رسیدگی یا ابطال درخواست اعاده دادرسی نزد دادگاهی که پرونده به آن منتقل می شود مورد استفاده قرار گیرد...». در ایران، گاه دستگاه عدالت، اقدام به تجویز پخش تلویزیونی جلسات دادگاه های مسئله مورد بحث ترجیح دارد؟ و از سوی دیگر، قانونگذار ایران در ارتباط با این موضوع، چه موضعی اتخاذ کرده است؟

بر این اساس، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا تجویز فیلم برداری از جلسات دادگاه بر منع آن ترجیح دارد؟ و سؤال فرعی نیز این است که قانونگذار ایران در ارتباط با موضوع مورد بحث، چه موضعی اتخاذ کرده است؟ بر همین مبنا دو فرضیه را در نظر گرفته شده که از این قرار است: الف) فیلم برداری از جلسات دادگاه و رسانه ای کردن آن، مزایایی برای نظام عدالت کیفری دارد. ب) قانون دار ایران در قبال این موضوع، پاسخ روشنی ارائه نکرده است.

بررسی سوابق موضوع نشان می دهد گرچه در ارتباط با علنی بودن دادرسی، تحقیقاتی صورت پذیرفته، لیکن در ارتباط با پخش فیلم محاکمات از رسانه ها، کار تحقیقاتی صورت نگرفته و موضوع از این حیث کاملاً بدیع به نظر می رسد. بر این اساس در ادامه، ضمن بررسی ادله موافق و مخالف پخش فیلم، موضع قانونگذار ایران را در ارتباط با موضوع مورد بحث مورد بررسی قرار داده و در نهایت ضمن نتیجه گیری از مباحث، پیشنهادهایی نیز ارائه خواهد شد.

۱. ادله موافق

ملاحظات گوناگونی در ارتباط با موضوع وجود دارد که پرداختن به هر کدام از آن ها، قانونگذار را به سمت و سویی متفاوت خواهد کشاند. در ادامه به دلایلی که می توان در راستای موافقت با پوشش تلویزیونی جلسات دادگاه ها ارائه کرد اشاره خواهد شد.

۱-۱. آموزش عمومی

برگزاری جلسات دادگاه ها با امور تخصصی و تشریفات بعضاً پیچیده دادرسی گره خورده، به نحوی که درک این فرایند برای عموم مردم که اصولاً فرصت و امکان حضور در جلسات دادرسی را ندارند با دشواری همراه است. نحوه کارکرد نظام عدالت کیفری همواره برای مردم رمزآلود و مبهم است چرا که غالباً تجربه مستقیمی از حضور در دادگاه ها نداشته و دادگاه و نحوه رسیدگی در آن را از دریچه فیلم ها و سریال ها و به صورت تصنعی درک می کنند. در این شرایط، پخش جلسات دادگاه می تواند از نظام

قضایی و رسیدگی‌های آن رمزگشایی کرده و اطلاعات مناسبی را در اختیار مردم قرار دهد. به‌علاوه پخش جلسات دادگاه می‌تواند برای بزه‌دیدگان نیز میل و رغبت بیشتری برای حضور در نظام عدالت کیفری ایجاد نماید. نمایندگان شعب خدمات قربانیان و اعضای گروه نجات خانواده قربانیان قتل و رانندگی در حال مستی در ایالت نیویورک اعلام کرده‌اند که پوشش ویدویی جلسات دادگاه، علاقه روزافزونی را برای طرح شکایت از سوی قربانیان یا خانواده‌های آنان ایجاد کرده است.^۱ به‌علاوه پخش تصاویر تلوزیونی و حضور دوربین‌ها در دادگاه‌ها می‌تواند در خدمت دانشکده‌های حقوق و دانشجویان حقوق نیز قرار گرفته تا به درک درستی نسبت به نحوه عملکرد دادگاه‌ها برسند.

۲-۱. افزایش اعتماد عمومی

نظام عدالت کیفری در دهه‌های اخیر، خود را با بحران عمیق بی‌اعتمادی مواجه دیده است. این بحران، بنا به ادعا، ریشه در گسترش سیاست‌های سهل‌گیرانه و برنامه‌های اصلاح و درمانی داشته که افکار عمومی هیچ‌گاه نتوانسته ارتباط خوبی با آن‌ها برقرار کند. از سوی دیگر، هم‌زمان با گسترش رسانه‌ها و افزایش پیمایش‌های افکار عمومی، این بی‌اعتمادی بیش از پیش نمایان شده است.^۲ به‌علاوه افزایش جرم و ناامنی یا افزایش ترس از جرم نیز گاه به‌عنوان دلیلی برای گسترش این بی‌اعتمادی ذکر شده است. در این شرایط در دهه‌های اخیر، افکار عمومی همواره با دیده تردید و بی‌اعتمادی نسبت به فرایند دادرسی و کیفردهی نگاه کرده است. نتایج پیمایش جرم بریتانیا در سال ۱۹۹۲ نشان داد که سه‌چهارم مردم احساس می‌کنند که مجازات‌ها خیلی ملموس نیستند. به‌علاوه نتایج پیمایش‌های بسیاری نشان داده که از نظر مردم، مجازات‌ها بیش از اندازه ملایم هستند^۳ گرچه مطالعات علمی پیرامون افکار عمومی نشان داده است که افکار عمومی در ارتباط با موضوعات تخصصی مانند عدالت کیفری از عمق و دوام چندانی برخوردار نبوده و با ارائه سؤالات متنوع‌تر می‌توان دیدگاه‌های متفاوتی را نیز از نظرسنجی‌ها استخراج کرد و به‌واقع، افکار عمومی به‌سان اقیانوسی است به عمق یک بند انگشت! باین‌حال وجود بی‌اعتمادی نسبت به نظام عدالت کیفری، بیش‌وکم در

1- Carlisle, Jay. C, "An Open Courtroom: Should Cameras be Permitted in New York State Courts?", Pace Law Review, Vol. 18, 1998, p. 303.

۲- مرادی حسن‌آباد، محسن، بررسی تأثیر افکار عمومی بر ابقا یا الغای مجازات اعدام در غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.

3- Julian, V. Roberts, et al, Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries, New York, Oxford University Press, 2003, p. 28.

نقاط مختلف و در ادوار مختلف به چشم خورده است که نشان از شکاف عمیق بین نظام عدالت کیفری و عامه مردم دارد.^۱

از سوی دیگر، با قدرت گرفتن احزاب سیاسی که موضوعات جرم و عدالت کیفری را در برنامه‌ها و مبارزات انتخاباتی خود گنجانده و اعتبار برنامه‌ها و سیاست‌های دولت را در گرو پیروی از افکار عمومی و توجه به خواسته‌ها و نگرانی‌های عموم مردم دانسته‌اند، مقوله افکار عمومی به تدریج در دهه‌های گذشته در آمریکای شمالی و سپس در برخی کشورهای اروپایی مورد توجه نظام عدالت کیفری قرار گرفته و دگرگونی‌هایی را در جنبه‌های گوناگون نظام‌های عدالت کیفری باعث شده است: از یکسو شاهد شدت و سخت‌گیری در ارائه پاسخ‌های کیفری به‌ویژه در ارتباط با جرایم خشونت‌بار بوده‌ایم و از سوی دیگر، تحولات مزبور، خود را در قالب دگرگونی‌های شکلی در نظام عدالت کیفری نشان داده است؛ تحولاتی مانند سرعت در رسیدگی‌ها و مقررات مربوط به اعتراض به آرای کیفری.

دقت و توجه به این تحولات نشان می‌دهد دغدغه مهم و اساسی نظام عدالت کیفری در این دهه‌ها همواره بر این بوده که دیوار بلند بی‌اعتمادی بین شهروندان و نظام عدالت، کوتاه و کوتاه‌تر شده تا شاهد عدالت کیفری مقبول، ملموس و مورد پسند عامه مردم باشیم؛ عدالتی که به‌صورت شفاف و پاسخ‌گو به نیازهای عمومی عمل کرده و اعتماد عمومی را جلب می‌نماید. در واقع کارگزاران نظام عدالت کیفری به تدریج به نوعی واقع‌بینی رسیده و وجود جرم و ناامنی را در جامعه پذیرفته‌اند به نحوی که یکی از اهداف اساسی نظام عدالت کیفری، مدیریت افکار عمومی قلمداد شده به گونه‌ای که مردم بتوانند به نظام عدالت کیفری و برخورد آن با بزهکاری اعتماد نمایند.^۲

در این شرایط، صرف علنی‌بودن دادرسی‌ها هرگز نتوانسته عامه مردمی را نسبت به عملکرد و شفافیت دادرسی‌های کیفری مجاب نماید که غالباً وقت و حوصله کافی برای شرکت در این جلسات را نداشته و حضورشان در این جلسات، دشوار و تا حدی تبدیل به آرزویی شده است. در این شرایط، شاید پخش تصاویر تلویزیونی به‌صورت زنده یا حتی غیرزنده از جلسات دادگاه بتواند جای خالی عامه مردم را در این جلسات پر کرده،

۱- برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ن.ک: محمودی‌جانکی، فیروز، و محسن مرادی‌حسن‌آباد، «افکار عمومی و کیفرگرایی»، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره دوم.

۲- برای مطالعه بیشتر در این خصوص، ن.ک: فیلیپ، ماری، «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، ترجمه: حسن کاشفی-اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۷، ۱۳۸۳، صص. ۳۶۴-۳۳۱.

در خدمت ایجاد اعتماد عمومی نسبت به عملکرد دستگاه عدالت کیفری قرار گرفته و فاصله مردم را با نظام عدالت کیفری کاهش دهد. به‌واقع پوشش تلویزیونی جلسات دادگاه، حداقل در برخی موارد می‌تواند نسبت به عملکرد و کارایی نظام عدالت کیفری، به افکار عمومی اطمینان‌خاطر دهد. البته برای تلویزیون و به‌طور کلی رسانه‌ها دو نقش و جایگاه متمایز در این فرایند متصور است؛ از یک‌سو نقشی مثبت که خود را از لابلای پوشش معقول و به‌دور از احساسات محاکمات نشان می‌دهد و از سوی دیگر، نقشی منفی یعنی پوشش عوام‌فریبانه و مبتنی بر احساسات برای تهییج افکار عمومی؛ کما اینکه بسیاری از محققین معتقدند رسانه‌ها نقشی پیچیده در فرایند بسط و توسعه عوام‌گرایی و جهت‌دهی به افکار عمومی داشته و دارند.^۱ به همین دلیل است که در کشورهایی که پوشش تلویزیونی جلسات دادگاه مورد پذیرش قرار گرفته، تأکید بر این بوده که از جلسات دادگاه در برنامه‌های سرگرمی و تبلیغات استفاده نشود. به‌واقع هدف از پوشش تلویزیونی باید افزایش آگاهی و اعتماد عمومی نسبت به عملکرد دادگاه‌ها باشد نه تهییج افکار عمومی.

۱-۳. رعایت حقوق متهمین

همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، علنی‌بودن دادرسی، جزء شاخصه‌های دادرسی منصفانه به حساب می‌آید.^۲ بر همین اساس، پخش تصاویر آن در رسانه‌ها نیز می‌تواند به افزایش شفافیت دادرسی کمک کرده و فرایند کیفردهی را در معرض دید همگان قرار دهد که نتیجه آن، رعایت مناسب‌تر حقوق متهم و توجه بیشتر مقام رسیدگی‌کننده به تضمینات دادرسی است، چرا که همواره خود را در معرض دید و قضاوت عموم مردم خواهند دید. در واقع، مقام رسیدگی‌کننده که خود را در معرض قضاوت و بازرسی مردم می‌بیند، سعی خواهد کرد قواعد دادرسی را به‌درستی رعایت کرده و حقوق متهم را مورد توجه دقیق خود قرار دهد تا مورد بازخواست و سرزنش عمومی قرار نگیرد.

۱-۴. بازدارندگی عمومی

1- Roberts, Julian. V., et al, Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries, New York, Oxford University Press, 2003, p.175.

۲- اهمیت این موضوع به حدی است که اسناد بین‌المللی نیز بر حق متهم برای دسترسی به دادرسی علنی تأکید شده است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ن.ک: صالحی، جواد، حق متهم در برخورداری از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۹۷، ۱۳۸۹، صص. ۲۴-۲۷.

یکی دیگر از مزایای پخش جلسات دادگاه‌ها این است که می‌تواند باعث ارعاب عمومی شده و بزهکاران بالقوه را نسبت به عواقب رفتارهای آتی‌شان آگاه سازد. به‌واقع، جدیت و قاطعیت دستگاه عدالت کیفری در برخورد با مجرمین از دریاچه رسانه‌های صوتی و تصویری با صراحت بیشتری به بزهکاران بالقوه منتقل خواهد شد. البته به احتمال فراوان، اثر بازدارنده پخش محاکمات در صورتی می‌تواند پابرجا بماند که پخش چنین جلساتی به موضوعی روزمره و عادی بدل نشده باشد.

۲. ادله مخالف

از سوی دیگر، حضور دوربین‌های تلویزیونی در دادگاه با مخالفت‌هایی نیز روبه‌رو بوده است که در ادامه به پاره‌ای از این ایرادها اشاره می‌شود.

۲-۱. پایین آمدن شأن نظام عدالت کیفری

مخالفان مدعی‌اند پخش تصاویر رسیدگی دادگاه‌ها این پیامد را در پی دارد که جلسات دادگاه در کنار سریال‌های تلویزیونی به‌مثابه برنامه‌ای که گوشه‌ای از اوقات فراغت مخاطبان را پر می‌کند، مورد توجه مخاطبان قرار گیرد. در واقع ادعا این است که شأن و حیثیت دستگاه عدالت، بالاتر از این است که سرگرمی توده‌های مردم شود.^۱ به نظر می‌رسد این ایراد تا حد زیادی وارد باشد. به همین منظور تا حد امکان باید از پخش جلساتی از دادگاه که از اهمیت عمومی و حساسیت زیادی برخوردار نیست جلوگیری کرد تا پخش این جلسات به‌عنوان موضوعی روزمره و عادی برای شهروندان جلوه نکند. به‌علاوه لازم است قانونگذاران تدابیری اتخاذ نمایند تا پوشش تلویزیونی محاکمات کیفری تنها در جهت اطلاع‌رسانی و افزایش اعتماد عمومی و برای بهره‌برداری در برنامه‌های خبری و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد و از گنجاندن آن در برنامه‌های سرگرم‌کننده خودداری شود.

۲-۲. اثرگذاری منفی بر فرایند رسیدگی

برخی معتقدند حضور دوربین‌ها در فرایند رسیدگی، به‌عنوان عنصری بیگانه و نامطلوب، باعث اختلال در فرایند رسیدگی‌ها خواهد شد. چرا که افراد در حضور دوربین‌ها

1- Carlisle, Jay. C, "An Open Courtroom: Should Cameras be Permitted in New York State Courts?", Pace Law Review, Vol. 18, 1998, p. 304.

رفتارهای تصنعی و غیر واقعی از خود بروز می‌دهند.^۱ استفاده از دوربین در دادرسی ممکن است باعث شود افراد شرکت کننده در دادرسی خود را به نحو متمدنانه‌تری نشان دهند چرا که می‌دانند رفتارهایشان نمایش عمومی دارد. این تأثیر می‌تواند در رفتار قاضی دادگاه و حتی شهود نیز مشاهده شود. در واقع ممکن است قاضی در حضور دوربین رأیی صادر نماید که احتمالاً در غیاب دوربین، آن رأی را صادر نمی‌کرد. بخشی از این ایراد به نقدی کلی‌تر بر می‌گردد که تمرکز بر توجه بیش از حد به خواست افکار عمومی دارد. در واقع توجه افراطی به دغدغه‌های عموم می‌تواند نظام عدالت کیفری را آسیب‌پذیر ساخته و از فرایند کشف حقیقت و توزیع عادلانه پاسخ‌های کیفری منحرف سازد. ایرادی که به عوام‌گرایی کیفری وارد می‌شود در این‌جا نیز وارد بوده چرا که حضور دوربین‌ها و دیده شدن محاکمات در رسانه‌ها می‌تواند باعث ارجحیت یافتن دغدغه‌هایی غیر از عدالت و تناسب مجازات‌ها برای قضات گردد. نتیجه این وضعیت می‌تواند ارائه پاسخ‌هایی شدید و نامتناسب نسبت به متهمینی باشد که به هر دلیلی حساسیت عمومی زیادی نسبت به اتهام آن‌ها ایجاد شده است.

۲-۳. نقض محرمانگی

یکی از مهم‌ترین ایرادهای وارد بر پوشش تلویزیونی جلسات دادگاه عبارت است از فاش شدن اطلاعات و هویت اصحاب دعوا. فاش شدن هویت متهم، محل بحث است چرا که در این مرحله، اصل برائت مطرح است و قرار نیست هویت متهم به‌عنوان شخصی که ادعا می‌شود رفتار مجرمانه‌ای مرتکب شده به اطلاع عموم برسد. اما از سوی دیگر در پاسخ به این ادعا می‌توان گفت قرار نیست رسانه‌ها، متهم را به‌عنوان «مجرم» یا «محکوم علیه» معرفی نمایند بلکه صرفاً وی را به‌عنوان متهم معرفی می‌کنند و به‌علاوه اگر قرار بود اطلاع عمومی مردم از متهم‌بودن شخص، اصل برائت را نقض نماید، علنی‌بودن دادرسی نیز معنا نداشت! کما این‌که یکی از الزامات علنی‌بودن دادرسی نیز این است که اطلاعات اصحاب دعوا در اختیار عموم مردم قرار گیرد. در حال به نظر می‌رسد حداقل در مواردی مانند متهمین نوجوان، قانونگذار باید به هر طریق ممکن جلوی افشای اطلاعات و هویت متهم را بگیرد چرا که فاش شدن اطلاعات وی باعث وارد آمدن برچسب شده و آثار منفی دامن‌گیری را بر شخصیت وی وارد خواهد آورد. در

1- For more information see: Lambert, Paul, "Television Courtroom Broadcasting and Eye Tracking: An Irish Solution to the U.S. Supreme Court Research Challenge?", Irish Journal of Legal Studies, Vol. 2, 2011.

واقع شخصیت طفل یا نوجوان، هنوز قوام و انسجام نیافته و وارد آمدن برجسب منفی و شکل گیری خودپنداره منفی در نخستین مراحل جامعه پذیرشدنش، ادامه زندگی او را به عنوان شهروندی محترم مختل خواهد کرد.^۱ از سوی دیگر، حتی اگر این نگرانی را بر اساس ملاحظات جرم شناختی معقول بدانیم، باید امکان انتشار اطلاعات متهم با رضایت خودش یا در صورتی که ادله ارائه شده به گونه ای باشد که ارتکاب جرم و مجرمیت متهم از نظر قاضی محرز باشد، وجود داشته باشد. نگرانی مهم دیگر، حمایت از بزه دیده و شهود است. در واقع رسانه ای شدن جلسات دادگاه می تواند برای بزه دیده، شاک و شهود که بیشتر تمایل دارند هویت و اطلاعات شخصی شان از منظر عموم مردم پنهان بماند دردسرساز شود. از همین رو قانونگذاران در برخی کشورها همواره سعی کرده اند قید مخفی ماندن هویت و اطلاعات بزه دیده و شهود را مدنظر داشته باشند. به نظر می رسد باید تصمیم در این خصوص را به قضات دادگاه واگذار کرد تا بر اساس شرایط پرونده و حساسیت آن و خطرهای احتمالی که می تواند متوجه شهود یا بزه دیده باشد در خصوص مخفی ماندن یا نماندن اطلاعات و هویت آنان، تصمیم مقتضی بگیرند.

به طور کلی می توان گفت حضور دوربین ها در دادگاه، هم زمان دارای نقاط مثبت و منفی است و در زمینه استفاده از آن ها در دادگاه باید با احتیاط عمل کرد چرا که می تواند بر ابعاد جامعه شناختی و رفتاری اعضای جامعه و نیز افراد شرکت کننده در دادگاه، آثار ماندگاری داشته باشد. برای قانونگذاران بسیاری از کشورها مزایای پخش تصاویر و فیلم جلسات دادگاه بر معایب آن برتری داشته است چرا که در دهه های اخیر، حقوق کیفری متهم محور، جای خود را به حقوق کیفری داده است که رعایت حقوق بزه دیده و تأمین امنیت و اعتماد عمومی را در درجه نخست اهمیت قرار می دهد. پخش تصاویر دادگاه می تواند فرایند عدالت کیفری را شفاف تر کرده و افکار عمومی را نسبت به عملکرد و قاطعیت دستگاه عدالت، خوش بین سازد. از سوی دیگر، نظارت دوربین ها و علنی بودن دادرسی به این معناست که قضات دادگاه در فرایند رسیدگی، خود را در برابر چشمان مردم دیده و حقوق دفاعی متهم به نحو مناسب تری رعایت خواهد شد. البته در کنار این مزایا قانونگذاران باید از توجه افراطی به این موضوع خودداری کرده و مقررات را به نحوی تنظیم نمایند که امکان پوشش معقول و به دور از سیاست زدگی جلسات دادگاه وجود داشته باشد. از سوی دیگر لازم است هویت متهم، تنها در صورتی فاش شود که خودش رضایت دهد یا مجرمیت وی از نظر قاضی کاملاً محرز باشد و

۱- برای مطالعه دیدگاه های جرم شناختی در این خصوص، ن.ک: وایت، راب، و فیونا هینز، جرم و جرم-شناسی، ترجمه علی سلیمی، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

در هر حال لازم است رسانه‌ها از ارائه پیش‌داوری نسبت به جلسات دادگاه و مجرمیت متهم ممنوع باشند. در صورت ضرورت باید تدابیر مقتضی برای جلوگیری از فاش شدن هویت سایر افرادی که درگیر فرایند امر کیفری می‌شوند نیز صورت پذیرد تا فرایند عدالت، مختل نشود.

در ادامه به بررسی وضعیت پوشش جلسات دادگاه‌ها در ایران خواهیم پرداخت و در این زمینه مقررات موجود در قانون جدید آیین دادرسی کیفری را نیز از نظر خواهد گذراند. از این رو در ادامه ابتدا سابقه پخش محاکمات دادگاه‌های کیفری از رسانه‌ها را مورد بررسی قرار داده و سپس در قسمت بعد به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت که قوانین کنونی ایران، چه موضعی را در خصوص موضوع مورد بحث اتخاذ کرده‌اند.

۳. سابقه پوشش تلویزیونی محاکمات در ایران

در تاریخ معاصر ایران، نمونه‌هایی از پخش تصاویر متهمان و جلسات دادگاه‌های کیفری وجود داشته است که شاید بارزترین نمونه آن را باید محاکمه خسرو گل‌سرخ‌دانست که در ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ محاکمه وی در حالی از تلویزیون وقت ایران پخش شد که در حال محاکمه در دادگاهی نظامی بود. به‌واقع حکومت وقت سعی کرد اوضاع نابسامان آن روزها و مبارزات انقلابی را با پخش محاکمه و نشان‌دادن جدیت نظام شاهنشاهی سر رو سامان بخشد.

محاکمه بعدی که از اهمیت اساسی برخوردار است محاکمه شهردار اسبق تهران در دادگاه بود که نخستین بار به‌صورت مستقیم از تلویزیون پخش شد. البته پخش آن محاکمه از تلویزیون به‌قدری از اهمیت برخوردار شد که به اذعان وزیر اسبق دادگستری، احیای دادسراها را به‌دنبال داشت چرا که نبود دادسرا در آن زمان به احساس امنیت قضایی افکار عمومی لطمه وارد آورد و در جریان آن محکمه، همگان مشاهده کردند که یک نفر به‌صورت هم‌زمان هم مدعی بود و هم حاکم!^۱

در نهایت یکی از پر سروصداترین محاکمات، محاکمه دسته‌جمعی تعدادی از متهمین فتنه ۱۳۸۸ بود که از تلویزیون جمهوری اسلامی ایران پخش شد و بازتاب‌های زیادی به همراه داشت. از یک‌سو عده‌ای به قوانین و مقررات جاری کشور اشاره کرده و پخش محاکمات را غیرقانونی می‌دانستند اما از سوی دیگر نیز عده‌ای به ضرورت ایجاد

احساس امنیت در جامعه اشاره کرده و از پخش آن دفاع کردند. در حال این رویه ادامه نیافت و جلسات دیگر دادگاه در پرونده مزبور از تلویزیون پخش نشد. به طور کلی در ایران، پخش تصاویر محاکمات در صدا و سیما امری استثنائی بوده که هر از چند گاهی به صورت مقطعی به آن توجه شده است. موضوعی که جای بررسی دارد این است که قوانین و مقررات سابق و موجود، در ارتباط با پخش محاکمات، چه موضعی اتخاذ کرده اند.

۴. بررسی قوانین و مقررات ایران در قبال حضور دوربین ها در جلسه دادگاه

در حکومت قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۱ به علنی بودن رسیدگی در مرحله دادگاه اشاره شده بود. ماده ۲۴۱ آن قانون مقرر داشته بود: «رسیدگی محکمه صلح علنی است به استثنای موارد ذیل که محاکمه بدون تماشاچی به عمل می آید.

۱: در امور راجع به حقوق خانوادگی.

۲: در موارد راجع به عصمت.

۳: در مواردی که علنی بودن محاکمه برخلاف اخلاق حسنه و حفظ امنیت و انتظام مملکتی است.»

ماده ۳۲۸ قانون مزبور نیز به علنی بودن رسیدگی در محاکمات کیفری اشاره کرده بود. نکته قابل بحث در مواد مزبور این است که علی رغم تصریح به علنی بودن دادرسی، اشاره ای به حضور دوربین ها در دادگاه نشده بود. در واقع عدم پیشرفت فناوری و مبتلا- به نبودن موضوع، باعث عدم تصریح به این موضوع در زمان تصویب قانون محاکمات جزائی ۱۲۹۱ شده بود. بر همین اساس نمی توان از متن قانون، نکته قابل توجهی در زمینه منع یا عدم حضور دوربین ها در حکومت آن قانون استنباط کرد. شاید بتوان گفت یکی از ملزومات اصل علنی بودن دادرسی عبارت است از امکان انتشار جریان رسیدگی در رسانه ها. البته این استدلال را نمی توان با قاطعیت پذیرفت چرا که در زمان تصویب قانون مزبور، چنین دغدغه ای برای قانونگذار وجود نداشت.

بعد از انقلاب اسلامی نیز تا سال ۱۳۷۸ مقررات جدیدی در ارتباط با انتشار جریان رسیدگی وضع نشده بود. لیکن در این سال، قانون آیین دادرسی کیفری به تصویب رسید و در ماده ۱۸۸ آن بر اصل بر علنی بودن دادرسی تأکید شده و به علاوه در تبصره ۱ این ماده آمده بود: «منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه است لیکن انتشار آن در رسانه های گروهی قبل از قطعی شدن حکم، مجاز نخواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات مفتری محکوم می شود». بر اساس این

تبصره، ممنوعیت مطلق پخش فیلم و به‌طور کلی، هرگونه گزارشی از دادرسی و محاکمه در دادگاه مقرر شده بود. در واقع قانونگذار با نگاهی محتاطانه، تفسیر بسیار مضیقی از علنی‌بودن محاکمات را پذیرفته و آن را محدود به حضور فیزیکی افراد در دادگاه کرده بود. البته مشخص نبود که آیا رسانه‌ها و دوربین‌ها اصلاً نمی‌توانستند در محاکمه حاضر شوند یا اینکه می‌توانستند در محاکمه حاضر شده و گزارش یا فیلمی از جریان محاکمه تهیه نمایند اما قبل از قطعی‌شدن حکم، امکان انتشار گزارش تهیه‌شده را نداشته بلکه امکان انتشار آن بعد از قطعی‌شدن حکم وجود داشت؟ به نظر می‌رسید تمرکز قانونگذار، بیشتر بر این بوده که قبل از قطعی‌شدن حکم، گزارشی در رسانه‌ها منتشر نشود و توجهی به مسئله حضور رسانه‌ها در دادرسی نداشته است. به‌رحال این موضوع می‌تواند پیشنهاد مفیدی برای قانونگذار باشد که اجازه پخش فیلم جریان رسیدگی دادگاه را تنها بعد از قطعی‌شدن حکم بدهد.

به‌تدریج بر اثر مقتضیات روز جامعه و ناکارآمدبودن ممنوعیت مطلق انتشار جریان رسیدگی در رسانه‌ها و البته مطالبات افکار عمومی، قانونگذار به سمت کمرنگ‌کردن این ممنوعیت حرکت کرده و در سال ۱۳۸۵ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری مورد بازبینی مقنن قرار داد به‌نحوی که تا حدی امکان حضور رسانه‌ها به جلسات دادگاه فراهم شد. تبصره ۱ ماده مزبور مقرر داشته است:

«تبصره ۱ - منظور از علنی‌بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه کرده و بدون ذکر نام یا مشخصاتی که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی شاکی و مشتکی‌عنه باشد منتشر نمایند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افترا است.»

این تبصره دو محدودیت را برای حضور رسانه‌ها در جلسات دادگاه مشخص کرده است: از یک‌سو رسانه‌ها باید تنها به انتشار گزارش‌های مکتوب اکتفا کرده و از پخش صوت یا تصویر جلسات دادگاه خودداری کنند. و از سوی دیگر خبرنگاران باید از انتشار اطلاعات مربوط به هویت و موقعیت متهم و شاکی خودداری کنند. حساسیت مقنن نسبت به اصل برائت باعث شده است که قانونگذار، تخلف از این امر و انتشار هویت یا موقعیت شاکی یا متهم را در حکم افترا بدانند. پس در این مرحله، شاهد پذیرش معنای موسع-تری از علنی‌بودن دادرسی‌ها بودیم که به‌نوبه خود، پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای به حساب می‌آمد. رشد رسانه‌ها در دهه‌های اخیر و نقش افزون‌تر آنان در کنار نهادهای رسمی موجود در جامعه سبب شده است که به‌تدریج قانونگذار، حضور رسانه‌ها را به‌عنوان

بازیگری در کنار نظام عدالت کیفری پذیرفته و به نقش واسطه‌ای رسانه‌ها میان فرایند دادرسی و عامه مردم، اذعان داشته باشد.

اما به نظر می‌رسد این تبصره نتوانسته نیازهای نظام عدالت کیفری را در برخورد با مجرمین به ویژه خطرناک و شرایط خاص تأمین کند چرا که گاه قوه قضائیه برخلاف این تبصره اقدام به پخش فیلم و تصاویری از جلسات دادگاه می‌نمود که نمونه آن را در جریان محاکمه برخی از متهمین حوادث ۱۳۸۸ مشاهده کردیم و از سوی دیگر، دادستان کل کشور نیز در سال ۱۳۹۰، از ارائه لایحه‌ای از سوی قوه قضائیه برای پخش جلسات علنی دادگاه در مورد مجرمین خطرناک خبر داد و حتی به این موضوع اشاره کرد که چرا نباید تصاویر متهمین خطرناک از رسانه‌ها پخش شود.^۱ به‌واقع در برهه‌ای که همواره سخن از برخورد شدید و جدی با مجرمین خطرناک و خشن به میان آمده و تأمین خواسته‌های افکار عمومی و ایجاد احساس امنیت در جامعه، جزء وظایف اصلی عدالت کیفری به حساب می‌آید، منع پخش جلسات دادرسی در رسانه‌ها نمی‌تواند در راستای اهداف این سیاست جنایی قرار گیرد. از همین رو به تبصره ماده ۱۸۸ آیین دادرسی کیفری به‌مثابه جزئی ناهمگون و مزاحم در قوانین نگریسته شده است و هر از چند گاهی ندای مخالفت با این ممنوعیت سر داده می‌شود. نمونه این مخالفت‌ها چند ماه پیش از زبان سخن‌گوی دستگاه قضا شنیده شد که در مقابل نمایندگان مجلس از ضرورت انتشار جریان رسیدگی در رسانه‌ها دفاع کرده و حتی ذکر اسامی متهمین را نیز بدون اشکال دانست. وی این اقدام را بازدارنده در سطح جامعه دانست.^۲

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز تغییر قابل‌توجهی در این زمینه صورت نگرفت، به‌نحوی که انتشار جریان رسیدگی با قیودی نسبتاً مشابه ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ امکان پذیر شده است. ماده ۳۵۳ در این راستا مقرر داشته است: «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان نباشد، در رسانه‌ها مجاز است. بیان مفاد حکم قطعی و مشخصات محکوم‌علیه فقط در موارد مقرر در قانون امکان‌پذیر است. تخلف از مفاد این ماده در حکم افتراء است.

۱- برای مطالعه متن کامل سخنرانی دادستان محترم کل کشور، ن.ک: روزنامه شرق مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۰۹.

۲- برای مطالعه متن کامل سخنرانی سخنگوی محترم قوه قضائیه، ن.ک: روزنامه ایران مورخ ۱۳۹۳/۳/۱.

تبصره ۱- هرگونه عکس‌برداری یا تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه ممنوع است. اما رئیس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او به صورت صوتی یا تصویری ضبط شود.

تبصره ۲- انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است، در صورتی که به عللی از قبیل خدشه‌دار شدن وجدان جمعی و یا حفظ نظم عمومی جامعه ضرورت یابد، به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه امکان‌پذیر است.»

در حالی که تبصره ۱ ماده ۱۸۸ تنها به امکان تهیه گزارش مکتوب از جلسه دادگاه اشاره کرده بود، تبصره ۱ ماده ۳۵۳ صراحتاً امکان تصویربرداری و ضبط صدا را از جلسات دادگاه منتفی کرده است. در واقع قانونگذار با این تصریح، به حرف‌وحدیث‌ها پیرامون فیلم‌برداری از جلسات دادگاه تا حد زیادی پایان داده است. از سوی دیگر، تبصره ۲ این ماده، نشان از نوعی تغییر نگاه سیاست جنایی کشور در قبال انتشار جریان رسیدگی دارد، چرا که در این تبصره، امکان انتشار مشخصات متهم و شاکی در شرایط خاصی پیش‌بینی شده است. در واقع در صورتی که ارتکاب جرم به‌نحوی از انحاء، موجب جریحه‌دار شدن وجدان جمعی شده باشد همانند پرونده‌های قتل که گاه با پوشش وسیع رسانه‌ای مواجه شده و موجی از نگرانی را در میان شهروندان پدید می‌آورد یا در صورتی که انتشار مشخصات متهم و شاکی برای حفظ نظم عمومی ضروری باشد، در صورت درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه، امکان انتشار مشخصات متهم و شاکی وجود دارد. دشواری‌های فراروی قوه قضائیه در دهه‌های اخیر و پرونده‌هایی که طرح عمومی بسیاری پیدا کرده‌اند در کنار لزوم اطلاع‌رسانی به افکار عمومی سبب شده است قانونگذار به تدریج به سمت کاهش و تعدیل ممنوعیت انتشار جریان رسیدگی پیش رود.

اما سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا در اجرای تبصره ۲ ماده ۳۵۳ امکان فیلم‌برداری از جلسات دادگاه و انتشار آن در رسانه‌ها با تجویز ریاست قوه قضائیه وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ از یک‌سو می‌توان گفت تبصره ۲ بیانی عام داشته و انتشار فیلم و صدای جلسات دادگاه را نیز در بر می‌گیرد. اما از سوی دیگر می‌توان گفت از آنجاکه صدر ماده ۳۵۳ و تبصره ۲ ذیل آن از عبارات مشابهی استفاده کرده، قانونگذار با تصویب تبصره ۱ آن ماده، به‌نوعی فیلم‌برداری و انتشار آن را از شمول تعریف «انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده» خارج ساخته است. در واقع از نظر قانونگذار، انتشار فیلم جلسات دادگاه، ذیل انتشار جریان رسیدگی قرار نمی‌گیرد. از این رو نمی‌توان به

استناد تجویز «انتشار جریان رسیدگی که متضمن بیان مشخصات و هویت شاکي و متهم باشد» در تبصره ۲ ماده ۳۵۳، فیلم‌برداری از جلسه علنی دادگاه و انتشار آن را تجویز نمود. از سوی دیگر، بیان عام قانونگذار، مبنی بر ممنوعیت فیلم‌برداری از جلسات دادگاه در تبصره ۱، هیچ‌گاه تخصیص نخورده و عموم آن، کماکان به قوت خود باقی است و اصل نیز بر عدم تخصیص است. به نظر می‌رسد این استدلال از قوت بیشتری برخوردار بوده و بر همین اساس حتی در صورت درخواست دادستان کل کشور نیز امکان انتشار فیلم جریان رسیدگی دادگاه‌های کیفری در ایران وجود ندارد. البته بر اساس این تبصره ۱ ماده، امکان ضبط صوت یا تصویر تمام یا بخشی از محاکمه به دستور رئیس دادگاه وجود دارد که کاربرد آن، مطمئناً انتشار و آگاهی‌رساندن به عامه مردم نخواهد بود بلکه برای تحقق اهداف قاضی دادگاه به کار خواهد رفت. از سوی دیگر، بر اساس ماده ۴۰۰ همین قانون، تمام محاکمات دادگاه کیفری یک باید به صورت صوتی ضبط شده و امکان ضبط تصویری آن نیز وجود دارد. البته انتشار آن‌ها باز هم با ممنوعیت صریحی از سوی قانونگذار مواجه شده است. ماده مزبور، این‌گونه مقرر داشته است: «محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می‌شود. انتشار آن‌ها ممنوع و استفاده از آن‌ها نیز منوط به اجازه دادگاه است».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه

زمانی که علنی بودن دادرسی، مدنظر اندیشمندان قرار گرفت، به عنوان ابزاری در جهت شفافیت دادرسی از آن یاد می‌شد. اما رشد رسانه‌های جمعی در دهه‌های اخیر و پیشرفت فناوری در این سال‌ها سبب شده است که نیاز به اطلاعات، ضرورتی روزافزون در عصر حاضر باشد. در این شرایط، جریان آزاد اطلاعات در جامعه و آزادی مطبوعات نیز در این سال‌ها همواره مورد تأکید بوده است. حضور دوربین‌ها در جلسات دادگاه در این راستا همواره به عنوان یکی از موضوعات مورد بحث در این سال‌ها بوده و موافقان، دلایل زیادی را در تأیید پوشش رسانه‌ای جلسات دادگاه‌ها ذکر می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها را باید افزایش اعتماد عمومی نسبت به عملکرد دستگاه عدالت کیفری دانست. در واقع رسانه‌ها به عنوان واسطه بین دستگاه قضایی و انسان‌هایی عمل می‌کنند که تجربه حضور در محاکمات علنی را نداشته و فرصت و امکان آن نیز برای آنان وجود ندارد. بعد از شکست گفتمان اصلاح و درمان که با اقبال عمومی اندکی مواجه شده بود شکاف بین مردم و دستگاه عدالت کیفری، بیشتر نمایان شد. در این شرایط، پخش جلسات دادگاه از رسانه‌های دیداری می‌تواند عامه مردم را نسبت به عملکرد دستگاه عدالت در برخورد با مجرمین، خوش‌بین سازد. البته از سوی دیگر در تأیید پخش تصاویر جلسات دادگاه به این موضوع نیز اشاره شده است که پخش آن می‌تواند به رعایت حقوق اصحاب دعوا و تضمینات دادرسی کمک نماید. البته هرچند انتشار جریان رسیدگی به-مثابه یکی از ملزومات اصل علنی بودن دادرسی مدنظر بوده و علنی بودن دادرسی نیز ابتدائاً و اصالتاً در جهت رعایت دادرسی عادلانه مورد توجه قرار گرفته است، اما پوشش تلویزیونی جلسات دادگاه، بیشتر با دغدغه‌هایی غیر از عادلانه بودن دادرسی و در جهت افزایش اعتماد عمومی و کاهش شکاف بین افکار عمومی و نظام عدالت کیفری مدنظر قرار گرفته است.

از سوی دیگر، در مخالفت با پوشش تلویزیونی نیز دلایلی ذکر شده که شاید مهم‌ترین آن‌ها را باید افشای اطلاعات و هویت متهم دانست. چنین دغدغه‌ای به‌ویژه در ارتباط با متهمین جوان، قابل تأمل است. در این شرایط بهتر است قانونگذار، پخش تصاویر و فیلم جلسات دادگاه را تنها در برخی پرونده‌ها تجویز نماید که طرح و نگرانی عمومی زیادی پیدا کرده و عامه مردم، منتظر دریافت اطلاعات صحیح و کافی از فرایند دادرسی بوده و پوشش رسانه‌ای می‌تواند خلأ اطلاعات را پر کرده و از شکل‌گرفتن شایعات و حدس و گمان‌های بی‌اساس نسبت به عملکرد دستگاه قضایی جلوگیری نماید. البته توجه افراطی به این موضوع نیز می‌تواند آفات و معایب فراوانی داشته باشد که مهم‌ترین

آن را باید کاستن از شأن نظام عدالت کیفری دانست. از سوی دیگر، بهتر است سازوکارها و مقررات مناسبی برای جلوگیری از افشای اطلاعات شهود و بزه دیدگان وجود داشته باشد تا با اطمینان خاطر افزون تری در دستگاه عدالت کیفری حضور پیدا کرده و نقش مؤثر خود را در فرایند اقامه دعوا و دادرسی ایفا نمایند. در ارتباط با دغدغه افشای اطلاعات و هویت متهم نیز در سه فرض عمده، اصولاً امکان انتشار اطلاعات و هویت متهم در جریان پوشش تلویزیونی جریان دادرسی می تواند وجود داشته باشد: الف) حالتی که متهم، خود به انتشار فیلم دادرسی رضایت دهد و بیمی از افشای اطلاعات و هویت خود نزد افکار عمومی نداشته باشد ب) حالتی که ادله جمع-آوری شده و فرایند رسیدگی به نحوی باشد که ارتکاب جرم و مجرمیت متهم از نظر قاضی رسیدگی کننده، کاملاً محرز باشد. ج) فرضی که موضوع پرونده از اهمیت زیادی برخوردار بوده و حکم قطعی مبنی بر محکومیت متهم صادر شده باشد. در حالت اخیر، قانونگذار می تواند اجازه انتشار فیلم دادرسی را که پیش از این و در جریان رسیدگی ضبط شده است صادر نماید.

قانونگذار ایران بعد از انقلاب از ممنوعیت مطلق انتشار جریان رسیدگی در سال ۱۳۷۸ به تدریج به سمت و سوی حضور رسانه ها در فرایند رسیدگی و انتشار جریان رسیدگی در سال ۱۳۹۳ حرکت کرده است. البته هنوز موانع جدی برای پخش فیلم جلسات دادرسی در قوانین و مقررات وجود دارد. هرچند در این سالها گاه و بیگاه پوشش تلویزیونی جلسات دادگاه در برخی پرونده ها مشاهده شده است. در این شرایط بهتر بود قانونگذار در شرایط استثنائی، امکان حضور دوربین های خبری را در جلسات دادگاه فراهم می کرد تا فیلم برداری و پخش آن با مقررات و ضوابط مشخصی مواجه باشد؛ کما اینکه سیر تحولات قانونگذاری در این زمینه در دهه های اخیر به ناگزیر قانونگذار را به تدریج به این سمت و سو پیش خواهد برد.

منابع :

- امیدی، جلیل، و سمیه نیکوئی، «تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری»، مدرس علوم انسانی، شماره ۵۸، ۱۳۸۷.
- صالحی، جواد، «حق متهم در برخورداری از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه»، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۱۳۸۹، ۹۷.
- ماری، فیلیپ، «کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه‌گر در اروپا»، ترجمه: حسن کاشفی اسماعیل‌زاده، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۷، ۱۳۸۳.
- محمودی جانکی، فیروز، و محسن مرادی حسن‌آباد، «افکار عمومی و کیفرگرایی»، مجله مطالعات حقوقی، دوره سوم، شماره دوم، ۱۳۹۰.
- مرادی حسن‌آباد، محسن، بررسی تأثیر افکار عمومی بر ابقا یا الغای مجازات اعدام در غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- نیکوئی، سمیه، «الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷-۵۶، ۱۳۸۵.
- وایت، راب، و هینز فیونا، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه: علی سلیمی، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

- Carlisle, Jay. C, "An Open Courtroom: Should Cameras be Permitted In New York State Courts?", Pace Law Review, Vol. 18, 1998.

- Lambert, Paul, "Television Courtroom Broadcasting and Eye Tracking: An Irish Solution to the U.S. Supreme Court Research Challenge?" Irish Journal of Legal Studies, Vol. 2 (2), 2011.

- Roberts, Julian. V, et al, Penal Populism and Public Opinion: Lessons from Five Countries, Oxford University Press, New York, 2003.

- Summers, Sarah, Fair Trial: The European Criminal Procedural Tradition and The European Court of Human Rights, Hart publishing, Oxford and Portland, Oregon , 2007.

- The judicial office for Scotland, Cameras and Live Text-based Communication in the Scottish Courts: A Consultation, available at: www.scotland-judiciary.org.uk, 2013.